

سنت اجازة روایت

در میان عالمان اسلامی

یکی از طرق روایتی اهل سنت
به امام رضا(ع)

یوسف محسن اردبیلی

تفاهم شیعه و سنی از دیرزمان مطلوب مسلمانان آگاه و متعهد بوده است؛ چنان که تفرقه آنان خواسته بیگانگان و دشمنان اسلام بوده است.

در گذشته از علمای شیعه و سنی فراوان بوده اند که در حلقات درسی همدیگر زانوی تلمذ بر زمین می زده اند. حوزه قدیم بغداد شاهد بسیاری از این موارد بوده است و کسانی مانند شیخ مفید - ره - از اساتید سنی مذهب استفاده علمی می کرده اند. همان گونه که در میان مشایخ روایتی شهید ثانی، مؤلف کتاب ارزشمند شرح لمعه و آثار دیگر، نیز اسامی بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت جلب توجه می کند.

مسلمانان علاوه بر تفاهم سیاسی، لازم است در زمینه های علمی نیز همیاری، تبادل و تفاهم داشته باشند. ارائه و انتشار نمونه های واقع شده بهترین الگو و مشوق در این باره می باشد. اجازة روایتی محمود آلوسی، یکی از علماء بزرگ اهل سنت در کشور عراق در قرن چهاردهم هجری، به ابو عبدالله زنجانی، مؤلف کتاب تاریخ القران و از متفکران بزرگ شیعه در سده یاد شده، از این نمونه های جالب است که در اینجا درج می شود. حسن و امتیاز مهم این اجازة روایتی این است که از طریق علمای سنت به امام رضا(ع) - منتهی می شود. نخست شرح حال مختصری از مرحوم زنجانی ارائه شده و سپس به درج متن اجازة نامه مبادرت می شود.

عین دستخط و اجازنامه آلوسی به میرزا ابو عبدالله زنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي اجمع بقدرته فطرة الخليفة، وادى كفا حجب قلوبنا بيننا
من حجة الحقيقة، فقلتم آدم الاسماء كلها، وفهم الخواص وقتها وظهرها وظهر
من اكبر زيتها، فخلص اهل صفة، للبحث عن حقائق الاشياء، والاطلاع
على ما في بطون الانبياء، فهدوا مواضع وادخل اسرارها، ونظروا طالع النواره
فاستنطقوا لافرادوا، ووضخوا واجادوا، واستقصاوت من اربعة لمكان
قرائحهم التافق، واشرفت الارض بنور برها كل الاشراق، ان سلف واحد
نهم تعلق اودى بعد اودى، ابوغاب كوكب طلع بدره بالاشراق ببر
برى، فصار سندهم سلسلة مرصعة الى ما هو خير بالاذان والى، فمن
تمك بحبلهم البين فقد استمكن بالعودة الوثقى، والصلوة والسلام
على من كان من هوى من العلم في مقام قاب قوسين، كمن علوم الادلين والآخرين
من الثقلين، وآله الذين لم يالوا جهدا في نشر جواهر العلوم بايدي
الرواية والدراية، ونظم افراد الحق المضمون العلوم في اسلاك البداية
والخاتمة.

ولقد فان نصل الائمة اظهر من ان يعام عليه ربيلى، ولله المنة
قد ضربوا له اباظ الابل والباد الجبار جلا بعد جلى، وقد اجرني من اتقى
والحمد لله على روايته ومذهبه، ان الفاضل الميلى، والحجز النبيل، فاننى
الاقربان، بالعلم والعرفان، الشيخ اباعبد الله الزبجالى، اناله اذ غابته
الاعمال، كان منة سنيها، اجز الى النبي الاشراف في طب العلوم، ويحصل

زندگینامه حاج میرزا ابو عبدالله ضیائی زنجانی

یکی از اکابر دانشمندان قرن چهاردهم هجری و مشهورترین فرد خاندان شیخ الاسلامهای زنجان در بلاد اسلامی مرحوم آقای حاج میرزا ابو عبدالله ضیائی زنجانی، صاحب تاریخ القران و سومین پسر مرحوم آقای حاج میرزا نصرالله، شیخ الاسلام زنجان است که در سیزدهم ماه جمادی الاولی ۱۳۰۹ در خاندانی که از اواخر دوره صفویه از پرچمداران علم و دانش بودند و از زمان دومین پادشاه قاجار

مقام شیخ الاسلامی را در زنجان به عهده داشتند، متولد شد.

او مقدمات و ادبیات عرب و مبادی فقه را در نزد اساتید زنجان فراگرفت و در فلسفه و حکمت و علوم عقلی مدت سه سال، از ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۹ قمری، به محضر درس مرحوم آقای میرزا ابراهیم حکمی زنجان حاضری حاضر شد و در اوایل سال مذکور عازم تهران شد و اندک زمانی در محضر درس اساتید معقول و منقول تهران حضور یافت و به زنجان برگشت و در اواخر سال ۱۳۳۰ در معیت برادر بزرگش مرحوم علامه بزرگوار شیخ فضل الله شیخ الاسلام عازم عتبات عالیات گردید. در آنجا در محضر درس اساتید عظام، سید یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و آقای سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی و آقا ضیاء عراقی حضور بهم رسانید و به درجه اجتهاد نایل آمد و در اواخر سال ۱۳۳۸ به زنجان برگشت و به مسند قضای شرعی

المنطق منها والمهوم. وحضر علی اساتذة اعلام. وقرأ علیهما جزءة عظام. و قد هم فی هذه الایام. علی العود الی الوطن. بعد ان اجازة الشيخ الکرام بکل فن یم آذ احب ان یفنی الاجازة من طریق. و یستیر من کواکب انفا. فطلب منی الاجازة بما تجوز لی روایة. و فصح لیدی روایة بعلی بتصل الی اسناد. و انه للعلیم اعظم عماد. فاعتمدت له عن ذلک. و انی لست من رجال ما هناک. و انشدت قول النابلی بن الاکابر الامالی و لست باهل ان اجازة تکلیف ان ۵. اجیز و لکن النابلی قد تخی و اصد آذ لکری قد عرفت حوائج ۵. فایة تقنی و آذتة نظفی فلما لم یقبل الایة اذار. و اصغر علی ما طلب کل الاضار. اجزة بالعلوم السلیبة و العظیة. و التوفیق الریجیة و الاصلیة. کما اجاز لی والدی الفضل السید عبد الله بن ابی الدین الحسینی الالوسی و هو قد قرأ علی والده ذی النصاب الشهبیة الی الیاء شهاب الدین السید محمود الالوسی صاحب روح البیان فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. و اجازة بما حکم لیه روایة کما اجازة شیخ عظام. و علی اعلام. منهم الشیخ عبد الرحمن الکزبری عن الشیخ محمد الکزبری عن السید سعید الهندی عن السید عبد الشکور عن شاه مسعود الاسبغانی عن الشیخ علی الحسینی عن الشیخ جعفر بن احمد الحسینی عن الشیخ ابراهیم الحسینی عن الشیخ عبد الرزاق عن الشیخ عبد القادر عن ابی سعید المارک التخرودی عن الشیخ عبد العزیز التیمی عن الشیخ ابی القاسم احمد بن ابی بکر عن سعید الشیخ السبلی عن ابی القاسم

نشست و به تدریس فقه و فلسفه و تفسیر قرآن و تالیف و تدوین و ترجمه کتب سودمند پرداخت. چندی بعد عازم سفر سوریه و فلسطین و قاهره و مکه شد و در این سفر با رجال علم و ادب آشنایی یافت و در سال ۱۳۴۷ هجری قمری به عنوان اولین ایرانی به عضویت مجمع علمی دمشق انتخاب شد. او در سال ۱۳۵۴ هجری قمری در دانشکده معقول و منقول به کرسی استادی تفسیر و اخلاق و تاریخ فلسفه نشست و مدت چهار سال دانش پژوهان را از اندوخته های علمی خود بهره مند ساخت و سپس به دانشگاه تهران منتقل شد. هزار افسوس که خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود. در بیستم ماه جمادی الثانیه سال ۱۳۶۰ هجری قمری (پنجشنبه تیرماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی) در ۵۱ سالگی در زنجان وفات یافت.

مرحوم زنجان در طول عمر کوتاه خود کتابها و مقالات متعددی در مباحث دینی و فلسفی و اجتماعی به زبان فارسی و عربی تالیف و ترجمه نمود که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- تاریخ القرآن؛ ۲- الفیلسوف الفارسی الکبیر صدرالدین شیرازی؛ ۳- شرح رساله بقاء النفس بعد فناء الجسد؛ ۴- طهارت اهل کتاب؛ ۵- اصول القرآن الاجتماعیه؛ ۶- الواحد لا یصدر عنه الا الواحد؛ ۷- الافکار؛ ۸- الوحی؛ ۹- التصوف فی التاريخ؛ ۱۰- الاسلام والاوربیون؛ ۱۱- عظمت حسین بن علی؛ ۱۲- سرزمین اسلام؛ ۱۳- دین فطرت؛ ۱۴- رساله در لزوم حجاب یا فلسفه حجاب؛ ۱۵- اندرز ارسطو به اسکندر؛ ۱۶- قهرمانان (ترجمه کتاب الابطال).

در پایان اشاره بدین مطلب خالی از فایده نمی باشد که جناب سید جعفر سجادی در عنوان شرح حال مرحوم حاجی میرزا ابو عبدالله ضیائی زنجان در دائرة المعارف بزرگی اسلامی (ج ۵، ص ۶۸۴) مرقوم داشته اند:

طی سالها تحقیق و تالیف و تدریس مجموعه بسیار نفیسی از کتب خطی و چاپی گرد آورد ... که پس از مرگش کتابخانه مجلس شورای ملی آن را خریداری کرد. با مراجعه به مراجع مذکور معلوم می گردد:

که اقبال در کتاب تاریخ خاندان نوبختی فقط اشاره به

نسخه خطی کتاب الیهیطان فی الموالید ابوسهل نوبختی متعلق به کتابخانه مرحوم آقای حاج میرزا ابوعبدالله زنجانی نموده است.

دکتر صفا نیز در تاریخ علوم عقلی فقط اشاره به نسخه کتاب رساله فی آراء الطبیعیة التي يقول بها الحكماء از فلوطرفس یونانی که در کتابخانه ایشان بود نموده است. اما آقای مشکور در مجله مجمع اللغة العربية ش (۱۳۹۸)، ص (۲۰۱) می نویسد:

هو العلامة الفقید ابوعبدالله ... من اسرة عریقه بعلمها و شرفها. خرج منها فريق من العلماء و الرجال و خدموا العلم و الدین خدمة لا ینسی. منهم شقیقه الاکبر العلامة المفضل الشیخ فضل الله شیخ الاسلام الزنجانی المتوفی سنة ۱۲۷۳ هـ. کان نموذج السلف الصالح من العلماء كما تشبهه علمية تألیفه القيمة فی الفلسفة و تاریخ

المذاهب و علم الکلام و خزانه کتبه التي ایتا عتها مكتبة مجلس النواب الايران من انفس خزائن ايران لاحتوائها على المخطوطات النادرة و خطوط مشاهیر العلماء و المؤلفین به نظر می رسد در تحریر مقاله فوق جناب سجادى جمله «کان نموذج السلف الصالح» را عطف به «هو العلامة الفقید» نموده، در صورتی که منظور از آن مرجع نزدیکتر مرحوم آقای شیخ فضل اله شیخ الاسلام بوده، که «کان نموذج السلف الصالح». دیگر آنکه معظم له در ضمن تألیفات ایشان اشاره به کتابی باسم نورالمنابر نموده اند که مبتنی بر اشتباه است.

چه کتاب نورالمنابر از تألیفات مرحوم آقای حاج میرزا ابوعبدالله میرزائی زنجانی، برادر مرحوم آقای حاج میرزا ابوالمکارم و حاج میرزا ابوطالب زنجانی بود که در سال ۱۳۰۷ هجری قمری تألیف نموده و به وسیله علی اکبر کتابفروش تهرانی بدون تاریخ به اهتمام مرحوم آقای حاج میرزا مهدی مجتهد زنجانی فرزند مؤلف چاپ شده است. مشار در صفحه ۵۳۳۷ فهرست کتابهای چاپی می نویسد: «نورالمنابر از حاج میرزا سید ابوعبدالله شمس الدین محمد بن ابی القاسم موسوی زنجانی تهران ۱۳۰۷ شمسی. چاپ دوم سنگی خشتی خط محمد کاظم مهران بتصحیح محمد باقر بن محمد حسن ناشر حاج میرزا مهدی زنجانی فرزند صاحب ترجمه ۲۲۳ صفحه».

مرحوم حاج میرزا ابوعبدالله ضیائی زنجانی از بسیاری از علمای اعلام، از امامیه و اهل سنت، دارای اجازات اجتهاد و روایت بودند که در اینجا اجازة روایتی ایشان را از علامه عراق مرحوم سید محمود شکری آلوسی فرزند مرحوم سید عبدالله بهاء الدین آلوسی و نوه مرحوم سید محمود آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی که در آن از ائمه شیعه تکریم و از مذهب امامیه تجلیل شده است، نقل می شود:

متن اجازة آلوسی به زنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي ابدع بقدرته فطرة الخليفة و اولی کلا

سید بن عبید. المشهور فی النی نعیق بائید. عن خاله السری السعفی عن ابی الخضر الشیخ معروف الکرمی عن سیدنا الامام علی بن موسی الرضا عن والده سیدنا الامام موسی الکاظم عن والده سیدنا الامام جعفر الصادق عن والده سیدنا الامام محمد الباقر عن والده افضل ان بین سیدنا الامام علی الاصفه زین العابدین عن والده سید الشهداء. و امام الاوصیاء. احد الربیة تین و نانی سیدی شایب اهل الحجة الامام الحسین عن والده مظفر العیاشی غالب کل غالب. خلیفة سید المرسلین. و امیر المؤمنین. سیدنا و مولانا علی بن ابی طالب عن ابن عمه. رجلاً عمه. جیب النی. و رسول الله جل الی صبح الخلق. سید العالم علی الاطراف. و القائل انا لها فیهما فی ذلك الاحراق. سیدنا و مولانا محمد المصطفی صلوات الله علیه و علی جمیع انباء الاربعة و الائمة الاصبیاء. و هو قد تلمح الوحی من رب العالمین. الذي اترك علیه قرآنا عربیا اعجز الاولین و الاخرین. بواسطة الروح الامین. الذي ان الوحی الی الانبیاء. و المرسلین. صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین. و ارجو من ابی ز ایدة الله ان یرحم علی و سائر السلفین. بالنظر علی اهد آء الدین لایسما فی الاوقاف الشریفة. و الاماکن المقدسة السنیة. و جعل المقصد و المرام. الوداع بالحق فیه و حسن الختام. ۱۳۳۹ هـ

الحسینی الاولی



بحسب قابليته ما يليق به من صبغة الحقيقة . فعلم آدم الاسماء كلها و فهم الخواص دقتها و جلها و اصطفى من اكابر ذريته ، خالص اهل صفوته ليلبحث عن حقايق الاشياء و الاطلاع على ما فى بطون الانبياء فغدوا مواضع و دائع اسراره و مطالع طوابع انواره فاستنبطوا و افادوا و صنفوا و اجادا و استضاءت من أشعة لمعان قرائحهم الآفاق . و اشرفت الارض بنور ربها كل الاشراق ان سلف واحد منهم تخلف اوحدى بعد اوحدى او غاب كوكب طلع بدر له بالاشراق سير بدى فصا 'ر سندهم سلسلة موصولة الى ما هو خير بالذات و ابقى فمن تمسك بحبلهم المتين فقد استمسك بالعروة الوثقى و الصلوة و السلام على من كان سهمه من العلم فى مقام قاب قوسين مكمل علوم الاولين و الآخرين من الثقلين و آله الذين لم يالوا جهداً فى نثر جواهر العلوم بايدى الرواية و الدراية و نظم افراد الملة بخصوص و العموم فى اسلاك الهداية و العناية .

و بعد فان فضل الاسناد اظهر من ان يقام عليه دليل و لذا ترى العلماء قد ضربوا له اباط الابل و اكباد الجياد جيلاً بعد جيل و قد اخبرني من اتق به و اعتمد على روايته و مذهبه ان الفاضل الجليل و الحبر النبيل ، فائق الاقران بالعلم و العرفان الشيخ اباعبدالله الزنجاني اتاله الله غاية الاماني كان منذ سنين هاجر الى النجف الاشرف فى طلب العلوم و تحصيل المنطوق منها و المفهوم ، و حضر على اساتذة اعلام و قراء على جهابذة عظام . و قد صمم فى هذه الايام . على العود الى الوطن بعد ان اجازته المشايخ الكرام بكل فن . ثم انه احب ان يلقى الاجارة من طرقتنا و يستنير من كواكب أفقنا فطلب منى الاجازة بما تجوز لى روايته . و تصح لدى ذريته لعلمه بفضل الاسناد و انه للعلوم اعظم عماد ، فاعتذرت له عن ذلك و ائى لست من رجال ماهنالك و أنشدته قول القائل :

ولست باهل ان اجاز فكيف ان
اجيز ولكن الحقائق قد تخفى
و اصداء فكرى قد عرفها حوادث
فأونة تخفى و أونة تطفى

فلما لم يتقبل الاعتداز ، واصر على ما طلب كل الاصرار ، اجزته بالعلوم الثقيلة و العقلية و الفنون الفرعية و الاصلية كما اجازني والدى الفاضل السيد عبدالله بهاء الدين الحسينى الألوسى و هو قد قرأ على والده ذى التصانيف الشهيرة ابي الثناء شهاب الدين السيد محمود

الألوسى صاحب روح المعاني فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني و اجازته بما صحت لديه روايته كما اجازته مشايخ عظام و علماء اعلام منهم الشيخ عبدالرحمن الكزبرى عن الشيخ محمد الكزبرى عن السيد سعدالله الهندي عن سيد عبدالشكور عن شاه مسعود الاسفرائينى عن الشيخ على الحسينى عن الشيخ جعفر بن احمد الحسينى عن الشيخ ابراهيم الحسينى عن الشيخ عبدالرزاق عن الشيخ عبدالقادر عن ابي سعيد المبارك المخزومى عن الشيخ عبدالعزيز التميمى عن الشيخ ابي القاسم احمد بن ابي بكر عن عبدالله الشيخ الشبلى عن ابي القاسم سعيد بن عبيد المشهور فى الخافقين بالجنيذ عن خاله السرى السقطى عن ابي محفوظ الشيخ معروف الكرخى عن سيدنا الامام على بن موسى الرضا عن والده سيدنا الامام موسى الكاظم عن والده سيدنا الامام جعفر الصادق عن والده سيدنا الامام محمد الباقر عن والده افضل التابعين سيدنا الامام على الاصغر زين العابدين عن والده سيد الشهداء و امام الاوصياء احد الريحانتين و ثانى سيدى شباب اهل الجنة الامام الحسين ، عن والده مظهر العجائب ، غالب كل غالب ، خليفة سيد المرسلين و امير المؤمنين سيدنا و مولانا على بن ابي طالب عن ابن عمه و جلاء غمه حبيب الحق و رسوله عزوجل الى جميع الخلق سيد العالم على الاطلاق و القائل انالها فهو لها فى ذلك الاحراق ، سيدنا و مولانا محمد المصطفى صلى الله تعالى و سلم عليه و على جميع أنبيائه الاوصياء و الائمة الاصفياء ، و هو قد تلقى الوحي من رب العالمين الذى أنزك عليه قرآناً عربياً ، اعجز الاولين و الآخرين بواسطة الروح الامين ، الذى اتى بالوحي الى انبياء و المرسلين صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين .

و ارجو من المجاز ايده الله تعالى ان يدعولى و لسائر المسلمين بالنصر على اعداء الدين ، لا سيما فى الاوقات الشريفة و الاماكن المقدسة المنيفة ؛ و جل المقصد و المرام ، الدعاء بالعافية و حسن الختام . سنة ١٣٣٩

كتبه الفقير إليه تعالى : محمود شكرى

الحسينى الألوسى

